

■ مؤلفه‌های موردانتظار مردم از عدلیه و تکاپوی
دستگاه قضا در برآوردن آن طی سال‌های آغازین مشروطه

حمیده شهیدی | هادی وکیلی | عباس سرافرازی

چکیده

هدف: این مقاله بر آن است تا موارد زیر را شناسایی و تحلیل کند: انتظارات مردم از عدلیه در سال‌های آغازین پس از مشروطه؛ میزان اهمیت مؤلفه‌های موردانتظار مردم از عدلیه و رابطه آن با درک مفهوم مشروطیت از دیدگاه مردم؛ همچنین تکاپوی نخستین دستگاه قضا در برآوردن این انتظارات.

روش و رویکرد پژوهش: این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی براساس اسناد امجدالسلطان-معاون وزیر عدلیه در سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۲۹ق- و با بهره‌گیری از روش آماری با تحلیل کیفی داده‌های مستخرج از این اسناد تنظیم شده است؛ همچنین از سایر منابع تاریخی نیز استفاده شده است.

یافته‌ها و نتایج: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با تغییر نظام حکومتی و انتظاراتی که رخداد مشروطه در مردم ایجاد کرده بود، توقع تحولی اساسی برای تحقق عدالت و حل مشکلات حقوقی در مردم به وجود آمده بود. همچنین می‌توان رابطه معناداری بین مؤلفه‌های موردانتظار مردم از مشروطیت با درک مفهوم مشروطیت از دیدگاه آن‌ها به دست آورد. دستگاه قضا با وجود تلاش برای برآوردن انتظارات مردم، به دلیل ریشه‌دار بودن مشکلات بر سر راه تعمیق و توسعه این انتظارات، نمی‌توانست یک‌باره انتظارات مردم را برآورده کند و به زمان بیشتری نیاز داشت تا قدرتمند شود. باین حال نظام حقوقی کشور با تأثیر از تحولات مشروطیت متحول شد و این تحول در آینده نیز ادامه یافت.

کلیدواژه‌ها

دوره مشروطه؛ وزارت عدلیه؛ انتظارات مردم؛ اسناد؛ امجدالسلطان معاون عدلیه

تحقیقات تاریخی

فصلنامه گنجینه اسناد: سال بیستم و هفتم، دفتر چهارم، (زمستان ۱۳۹۶)، ۸۹-۶۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۹/۱۷ ■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۸/۳

مؤلفه‌های موردانتظار مردم از عدلیه و تکاپوی دستگاه قضا در برآوردن آن طی سال‌های آغازین مشروطه

حمیده شهیدی^۱ | هادی وکیلی^۲ | عباس سرافرازی^۳

مقدمه

جنبش عدالت‌خواهی و استقرار حکومت مشروطه، فصل جدیدی را در تاریخ سیاسی و اجتماعی مردم ایران گشود و باعث تحول در قلمروهای مختلف، از جمله ساختار حقوقی و قضایی کشور شد. در این باره زوایای پنهانی یافت می‌شود که می‌توان آن‌ها را در پرتو اسناد و داده‌های تاریخی شناسایی و بازخوانی کرد. یکی از عمده‌ترین منابعی که می‌توان در پرتو آن به ایضاح موضوع پرداخت، اسناد سید میرزا محمدخان حسینی صدر ملقب به امجدالسلطان است. او معاون وزیر عدلیه در سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۹ ق مقرر با سال‌های نخستین پس از مشروطه بود و شخص دوم وزارت عدلیه محسوب می‌شد. این اسناد متعلق به عدلیه است و نزد امجدالسلطان نگاهداری می‌شده است. این موضوع اهمیت بررسی این اسناد را نشان می‌دهد.

یکی از جنبه‌های مهم نظام قضایی، نوع خواسته‌ها و انتظارات مردم از آن است. خواسته‌هایی که بر اصل برابری و نبود تبعیض متکی است و در اوایل مشروطه در مقابل ناکارآمدی عدلیه مطرح می‌شد. اسناد مذکور به‌طور عمده شامل مکاتبات اداری وزارت عدلیه طی سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۹ ق است که در لابه‌لای آن می‌توان به عرایض مردم درباره مشکلات قضایی دست یافت. این پژوهش دارای یک پرسش اصلی و دو پرسش فرعی است که هر یک مبتنی بر یک فرضیه است. این نوشتار بر آن است تا به شیوه توصیفی-تحلیلی به این پرسش‌ها پاسخ دهد.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره

اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

hamideshahidi@gmail.com

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی

مشهد (نویسنده مسئول)

vakili355@yahoo.com

۳. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی

مشهد

absarafrazi@yahoo.com

پرسش اصلی: طی سال‌های نخست پس از مشروطه (۱۳۲۵-۱۳۲۹ق) انتظارات مردم از عدلیه چه بود و مردم بیشتر بر چه جنبه‌هایی تأکید داشتند؟
فرضیه اصلی: در سال‌های نخست مشروطه به دلیل تغییر نظام حکومتی توقع تحولی اساسی برای تحقق عدالت و حل مشکلات حقوقی در مردم به وجود آمده بود.

پرسش‌های فرعی:

۱. آیا دستگاه قضایی جدید برای برآوردن انتظارات مردم اهتمامی داشت؟
فرضیه: با توجه به تحول نظام حکومتی و نفی استبداد و سهم‌شدن مردم در اداره کشور، دستگاه عدلیه نیز برای سامان بخشیدن به نظام قضایی و تحقق انتظارات مردم تلاش می‌کرد.
۲. آیا بین مؤلفه‌های موردانتظار مردم از عدلیه و رابطه آن با درک مفهوم مشروطیت از دیدگاه مردم رابطه معناداری وجود دارد؟
فرضیه: بین مؤلفه‌های موردانتظار مردم از دستگاه قضا با درک مفهوم مشروطیت رابطه معناداری وجود دارد.
اسناد بررسی شده در این مقاله تاکنون منتشر نشده است و پژوهشگران از آن بهره‌برداری نکرده‌اند. در این مقاله علاوه بر این اسناد از سایر منابع تاریخی نیز برای فهم بهتر موضوع استفاده شده است.
در دوره قاجار اسناد دیوانی نزد اشخاص نگاهداری می‌شد. به نظر می‌رسد، امجدالسلطان نیز این اسناد را به تاسی از سنت دوره قاجار نزد خود حفظ و سپس در خاندان خود به ارث گذارده است تا این که به دست مرحوم محمد گلبن رسیده است. ایشان بخش زیادی از این مجموعه را به تعداد تقریبی ۹۰۰۰ برگ به مرکز آرشیو اسناد آستان قدس و بخش کوچکی از آن را به تعداد تقریبی ۱۰۰۰ برگ در اختیار مرکز آرشیو اسناد مجلس شورای اسلامی گذارده‌اند. بدیهی است شماره ثبت اسناد و بازیابی آن‌ها در دو مرکز متفاوت است. این اسناد در آرشیو آستان قدس از شماره ۵۹۴۹۷ تا شماره ۶۱۹۰۹ و در آرشیو مجلس در دو کارتن شماره ۸۸ و ۸۹ قابل بازیابی‌اند.

انتظارات مردم

عدلیه در اوایل مشروطه جایگاه مهمی در میان مردم داشته و از آن با نام «عدلیه مقدس» یا «وزارت مقدسه عدلیه اعظم» یاد شده است (ساکماق، ۶۰۵۸۱، ص ۳۷). حتی از آن به عنوان «روح مملکت و اسباب رفاه و آسایش ملت» تلقی شده است (کمام، کارتن ۸۸، پوشه ۲۳، ص ۳۹۹).



با توجه به عریضه‌های موجود مربوط به مجلس شورای ملی، این نظر قوت گرفته است که مردم برای حل مشکلات قضایی خود به مجلس رجوع می‌کردند و تفاوتی میان مجلس و دیوان مظالم نیافته بودند. مجلس نیز شکایت‌های رسیده از مردم را به وزارت عدلیه ارجاع می‌داد و در مقابل، جوابیه این نهاد را برای مردم ارسال می‌کرد (شوهانی، ۱۳۸۹، ص ۵۷). این نظر شاید این امر را در ذهن تداعی کند که مردم در صدر مشروطه از جایگاه و کارکرد عدلیه ناآگاه بوده‌اند و عدلیه با واسطه مجلس به شکایت‌های مردم می‌پرداخته و در این باره جایگاه ضعیفی داشته است؛ در حالی که در اسناد مورد نظر بین سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۹ ق تعداد فراوانی از عریضه‌های افراد وابسته به طبقات مختلف خطاب به عدلیه موجود است. این اسناد نشان می‌دهد که مردم از جایگاه عدلیه و کارکرد آن شناخت داشتند و با توجه به محتوای عرایض به خوبی می‌دانستند که عدلیه محل رسیدگی به شکایت‌های قضایی است و وظیفه عدلیه احقاق حق و اجرای عدالت است.

از سوی دیگر این اسناد به خوبی اقبال مردم را به عدلیه - به ویژه بعد از استبداد صغیر (۲۲ جمادی الاول ۱۳۲۶ ق تا ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۲۷ ق) - برای حل مشکلات قضایی خود نشان می‌دهد. فهرست‌های متعددی از عریضه‌های وارد شده به محاکم موجود است. فهرست عریضه‌های وارد شده به دفتر ابتدایی حقوق از آن جمله است که تنها از پنج‌شنبه ۲۵ شوال لغایت سلخ (آخر) شوال ۱۳۲۸، هشتاد و دو عدد دادخواهی به همراه اسامی مدعی و مدعی‌الیه ثبت شده است. رجوع مردم به عدلیه به حدی بود که محاکم، توانایی پاسخ‌گویی به مردم را نداشتند؛ از این رو مقرر می‌شود: به شکایت‌های حقوقی مربوط به بیست سال قبل، رسیدگی نشود (ساکماق، ۵۹۷۵۵). اقبال مردم به عدلیه نشان‌دهنده مشکلات فراوان قضایی در آن زمان است؛ ولی از امید مردم برای حل مشکلات حقوقی و احقاق حقشان نیز حکایت دارد.

درباره علت رجوع افراد به مجلس برای طرح شکایت‌های خود، به نظر می‌رسد: مردم ایران بر طبق عادت دیرینه، برای سهولت انجام کار و رسیدن به هدف، مرجعی قدرتمند و صاحب نفوذ را برای بازگ کردن مشکلات خود واسطه قرار می‌دادند. در این اسناد، عریضه‌هایی از افراد موجود است که برای حل مشکل قضایی خود به شخصیت‌های سیاسی و صاحب نفوذ از جمله نایب‌السلطنه (ساکماق، ۶۰۶۵۴) و یا سپهدار اعظم، وزیر جنگ (کمام، کارتن ۸۸، پوشه ۲۳، ص ۳۸۹) پناه می‌بردند. آنان نیز برای «حل مشکل از مجرای خود» عریضه‌ها را به عدلیه ارجاع می‌دادند. علاوه بر آن، گاهی فرد موجه و صاحب نفوذی به جای فرد شاکی، عریضه را خطاب به عدلیه می‌نگاشت و توصیه لازم را برای حل مشکل وی می‌کرد. از جمله نامه همدم السلطنه به وزیر عدلیه درباره رسیدگی و

احقاق حق دختر میرزا حسین علی منشی از این دست است (ساکماق، ۶۰۳۱۶). رسم بود روی پاکت عریضه‌ها عبارت «عاجزانه است» قید شود؛ ولی در این نامه‌ها گاه عبارت «دوستانه است» درج شده است (ساکماق، ۶۱۳۲۲، ص ۲۳۳). در این میان، مجلس شورای ملی نیز مرجعی قدرتمند تلقی می‌شد و افراد از این ظرفیت تازه در جایگاه واسطه، برای حل مشکلاتشان بهره می‌بردند. شکایت میرزامهدی خان مشکوة الاطباء به مجلس و تقاضای تسریع صدور حکم از سوی عدلیه از این نمونه است (ساکماق، ۵۹۷۰۱).

در تحلیل دیگر می‌توان گفت: بحث تفکیک قوا که در اصل بیست و هفتم متمم قانون اساسی آمده است و قوه مقننه را از قوه قضاییه مجزا می‌کند (مجموعه قوانین و مقررات عصر مشروطیت، ۱۳۸۸، ص ۵) در میان مردم قابل درک نبود. به نظر می‌رسد مردم، مجلس را نهادی قدرتمندتر از عدلیه محسوب می‌کردند که می‌تواند در صورت پاسخ‌ندادن عدلیه و رسیدگی نکردن به مشکل قضایی‌شان به مجلس شکایت برند. در عریضه‌های متعددی به صورت تهدیدآمیز نوشته شده است که در صورت رسیدگی نکردن، به مجلس شکایت خواهند کرد (ساکماق، ۶۰۵۸۲، ص ۱۷؛ ۶۰۵۸۳، ص ۴۵؛ ۶۱۶۲۶، ص ۶۱).

با استناد به اسناد، دو مؤلفه اجرای عدالت و توجه به قانون، از موارد مورد انتظار مردم از دستگاه قضا در صدر مشروطه است. به نظر می‌رسد، مشروطیت نوید تحول اساسی را برای تحقق عدالت ایجاد کرده بود. در روزنامه‌های آن زمان و از سوی مشروطه‌طلبان بر اساس خواست جامعه آن روز، پیروزی مشروطه مساوی با برچیده شدن ظلم و برقراری عدل و قانون معرفی می‌شد. سید محمد طباطبایی از رهبران مشروطه، در سخنرانی خود در چهاردهم جمادی الاول ۱۳۲۴ ق هدف خیزش و اعتراض خود را ایجاد عدل و رهایی از ظلم بیان می‌دارد (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۸۹، ج ۱، صص ۴۴۵ و ۴۴۶). نایینی در رساله تنبیه‌الامه و تنزیه‌الملله از این هم فراتر رفته است و با استناد به قرآن و احادیث پیامبر و دوازده امام، بر برابری همه افراد ملت با شخص والی در همه حقوق و احکام تأکید می‌کند (زرگری نژاد، ۱۳۸۷، ص ۴۴۸).

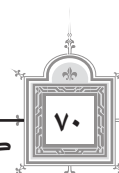
جریده ملی نخستین نشریه‌ای است که پس از صدور فرمان مشروطه در ایران چاپ شده است. در این نشریه آمده است: «رسید مژده که ایام غم نخواهد ماند... می‌توان گفت امروز قوایم^۱ و ارکان مشروطیت که معنی انتشار عدل و قانون مساوات است برقرار شده و بنیاد اتحاد فیما بین ملت و دولت استحکام یافت... خیال استبداد و ظلم را از قلوب اقصی^۲ و ادانی^۳ قلع و قمع نموده و بساط عدل و داد را در وطن عزیزمان می‌گستراند» (جریده ملی، ۱۳۲۴ ق: ص ۱)

به گواه اسناد، این اخبار و این گفته‌ها بر مردم تأثیرگذار بوده است. برای شناخت

۱. قوایم: قوائم؛ جمع قائمه. چیزهای عمود؛ ستونها

۲. اقصی / aqāsi/ دورترها؛ دوران؛ غریبه‌ها جمع اقصی، مقابل ادانی؛ در اینجا احتمالاً منظور طبقات بالای جامعه است در مقابل ادانی که به طبقات پایین جامعه اشاره می‌کند. اقصی و ادانی: فرادستان و فرودستان؛ اغنیا و فقرا.

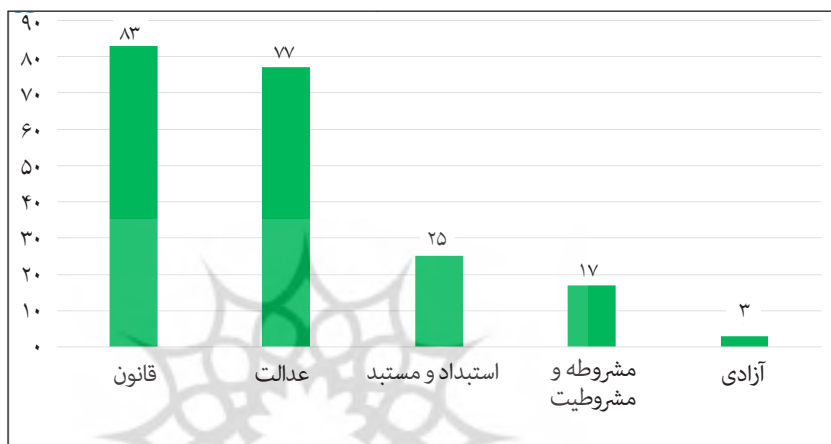
۳. ادانی / adāni/ جمع ادنی؛ نقاط نزدیک؛ نزدیکان؛ طبقات فرودست؛ عامه مردم



انتظارات مردم از عدلیه و این که آن‌ها روی چه مؤلفه‌هایی بیشترین تأکید را داشتند، بسامد چند واژه در میان ۲۰۵ عریضه بررسی شد. متن کامل این عریضه‌ها در مجموعه اسناد بررسی شده موجود است. در تحلیل پژوهشگران تاریخ مشروطه، مؤلفه‌های آزادی، قانون، عدالت، و نفی استبداد، از خواسته‌های جامعه آن دوره، از انقلاب مشروطه بوده است؛ از این رو این واژه‌ها انتخاب شد و بسامد آن‌ها به همراه بسامد واژه مشروطه یا مشروطیت در عریضه‌ها بررسی شد.

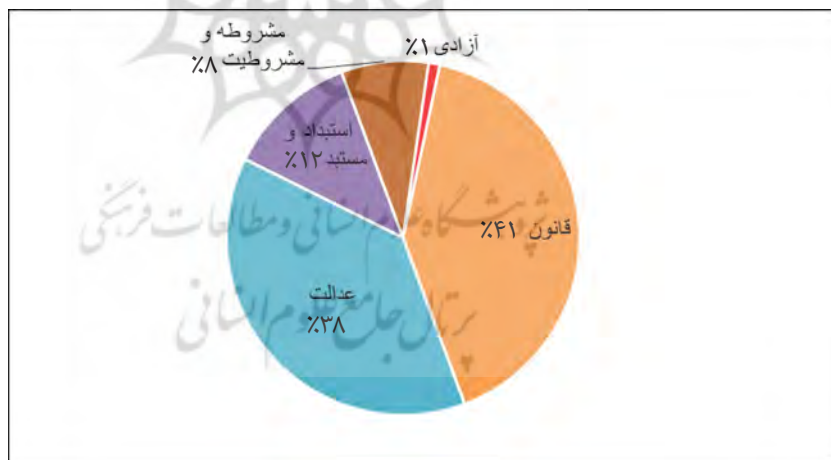
نمودار ۱

بسامد واژه‌ها در عریضه‌های مردم به عدلیه، بر اساس تعداد



نمودار ۲

بسامد واژه‌ها در عریضه‌های مردم به عدلیه، بر اساس درصد



نظریه مهمی از سوی افرادی نظیر کسروی درباره مشروطه مطرح شده است (کسروی ، ۱۳۸۰: ص ۲۹۲)؛ این که: مشروطه برای ایران زود بود و مردم عادی که جای خود دارند، حتی رهبران مشروطه نیز به درستی پی نبرده بودند که مشروطه چیست و حکومت

مشروطه چه نوع حکومتی است و ملزومات و سازوکارهای آن کدام است. این نکته قابل بحث است که سردمداران مشروطه اعم از چهره‌های روحانی و غیرروحانی آن، تا چه میزان با فلسفه جدید غرب و بنیان‌های فکری و فلسفی آن بالأخص اندیشه سیاسی مدرن آشنایی داشتند؟ شاید در میان آنان کمتر کسی پیدا می‌شد که بداند توماس هابز، جان لاک، جان استوارت میل، ژان ژاک روسو یا ماکیاولی دقیقاً چه گفته‌اند و چه اندیشیده‌اند؛ ولی به قول صادق زیباکلام، آنان روح و یا به تعبیر امروزی پیام فلسفه سیاسی جدید را درک کرده بودند. این درک را در تک‌تک آنان می‌توان ملاحظه کرد. رساله درس میرزا محمدعلی خان ذکاءالملک - یکی از اولین استادان علوم سیاسی در ایران - با عنوان حقوق اساسی یعنی آداب مشروطیت دول (اولین کتاب حقوق اساسی در ایران) حول و حوش انقلاب مشروطه تنظیم شده بود. مهدی ملک‌زاده مؤلف کتاب تاریخ انقلاب مشروطیت ایران پسر ملک‌المکلمین - یکی از رهبران برجسته مشروطه - می‌گوید: رساله ذکاءالملک به یکی از رساله‌های آموزشی مشروطه‌خواهان تبدیل شده بود. این گفته به بهترین نحو درک اصولی مشروطه‌خواهان را از بنیان حکومت جدید نشان می‌دهد. ممکن است، بگوییم: ذکاءالملک چندان به فلسفه سیاسی مدرنیته اشراف نداشته‌است؛ ولی آیا می‌توان گفت: ذکاءالملک - یکی از پدرخوانده‌های جریان‌های نوین در ایران - به درستی متوجه نشده باشد که معنی مشروطه و مشروطیت چیست؟ و نداند در تفکر جدید، حکومت، مشروعیت خود را از رأی مردم می‌گیرد؟ (زیباکلام، ۱۳۸۲، صص ۱۴۷ و ۱۴۸).

فقط رهبران فکری غیرمذهبی مشروطه نبودند که به معنای درست مشروطه و نظام پارلمانتاریسم پی برده بودند. علما و رهبران دینی مشروطه نیز همچون همتایان غیرمذهبی خود به فراست دریافته بودند که مشروطیت چیست و حکومت مشروطه دربرگیرنده کدام الزامات است. عبدالرسول مدنی کاشانی یکی از این علماست. توضیحات او در رساله انصافییه در دفاع از مشروطیت، نشان‌دهنده این است که او به فراست دریافته بود که حکومت جدید چیست و دستاورد آن، چه خواهد بود (مدنی کاشانی، ۱۳۷۸، صص ۷۸ و ۷۹).

این نظر آبدیان قابل تأمل است که روشنفکران و روحانیان دوره مورد بحث، مردان زمان خود بودند. آنان درگیری‌های فکری غربیان را جزء مشکلات خود ندانستند و از آن فراتر رفتند و به طرح مسائلی پرداختند که خاص جامعه ایران بود. بدیهی است بخشی از موضوع به این دلیل بود که آنان بر مجادلات فکری رایج در غرب وقوفی نداشتند و از ماهیت آن آگاه نشدند (آبدیان، ۱۳۹۲، ص ۳۹). به عبارتی آنچه در مشروطه ایران رخ داد، نوعی تلقی و فهم ایرانی - اسلامی از این سامان فکری و سیاسی جوامع اروپایی بود که با

نفس الامر^۱ تفاوت فراوان داشت؛ ولی طبیعی بود و منطبق بر موازین انتقال آگاهی. به واقع، آنچه مشروطه ایران را از انواع اروپایی آن جدا می‌کرد، این بود که نظامی غیردینی، با معیارها، ضوابط و ارزش‌های دینی و به‌طور عمده فقه و اصول شیعه توجیه و یا تفسیر شد (آبادیان، ۱۳۹۲، ص ۱۷).

با استناد به اسناد، مردم نیز تحت تأثیر رهبران مشروطه، به‌طور دقیق درکی از واژه مشروطیت نداشتند و همان‌گونه که در نمودار بالا نیز مشخص است، به‌ندرت از واژه مشروطه و مشروطیت استفاده می‌کردند؛ ولی واژه‌های قانون و عدالت به فراوانی آمده‌است و گاهی از نظام پیشین با نام «دوره استبداد» یاد شده‌است. آنچه مشخص است: مردم به‌خوبی فهمیده بودند که نظام حکومتی تغییر کرده و در دوره جدید قرار است عدل حکم‌فرما شود و همه در برابر قانون از تساوی حقوق برخوردار باشند. به‌عبارتی، مردم اگرچه معنی و مفهوم حکومت مشروطه را نمی‌دانستند؛ ولی روح و پیام آن را برطبق نیاز خود درک کرده بودند و از نظام جدید انتظار داشتند که «حقوق مظلومین و متظلمین مثل زمان استبداد از میان نرود» (کمام، کارتن ۸۸، پوشه ۲۳، ص ۲۴۸) و خواستار تحول اساسی برای تحقق عدالت بودند. آنان از نظام جدید با نام «اوان عدالت» یا «دوره عدالت» (ساکماق، ۶۰۷۴۴، ۶۰۵۸۳، ص ۹۲) یاد می‌کردند. در عریضه قصابان از جمله وظایف مهم مشروطه، تساوی حقوق میان افراد جامعه ذکر شده‌است: «تساوی حقوق، جزو اعظم مشروطه است» (ساکماق، ۶۰۶۴۷).

کاتوزیان بیان می‌دارد که انقلابیان ایران در پی برابری اجتماعی-اقتصادی نبودند، بلکه خواهان تقسیم قدرت مطلق دولت و سهم‌شدن در آن بودند (کاتوزیان، ۱۳۹۳، ص ۱۰۳). درباره برابری اقتصادی، از منابع نمی‌توان مطلبی دریافت؛ ولی اگر برابری اجتماعی را برابری افراد در گرفتن سهم از عدالت تلقی کنیم، باید گفت: مردم به‌دنبال عدالت به‌میزان یکسان در میان تمام طبقات بودند. آنان توقع داشتند: در برخورد قانون با افراد، جایگاه و موقعیت اجتماعی آن‌ها در نظر گرفته نشود. برای نمونه در یکی از عریضه‌ها به‌خوبی به این نکته اشاره شده‌است: «مقصود اصلی از این همه فداکاری و نهب^۳ اموال و اهراق^۴ دماء^۵ و جانبازی‌ها، اجرای احکام الهیه و تساوی آحاد و افراد این ملت در حقوق و حدود بوده که دیگر وزیر و فقیر، عالی و دانی، شاه و گدا، نزد قانون مساوی و برابر باشند» (ساکماق، ۶۰۵۸۲، ص ۱۷).

مبارزه با ظلم‌ها و تبعیض‌های ناروا از انتظارات به‌جا و مهم مردم از دستگاه قضا بود؛ در صورت برآورده‌نشدن این خواسته مردم به‌شدت از وضع موجود انتقاد می‌کردند. در اسناد نیز مقیاس تفاوت این دوره با پیشامشروطه، عدالت و مبارزه با ظلم بیان شده‌است:

۱. حقیقت کار
۲. آغاز؛ هنگام.
۳. غارت، چپاول
۴. اصل: اهراق
۵. ریختن خون‌ها

«آیا امنای دیوان عدالت بعد از همه این قتل و غارت‌های جانی و مالی ملت، باز هم باید ملاحظات عمر و زید را بکنند؟ مگر مملکت مشروطه نشده؟ مگر عدلیه برای احقاق حقوق ملت تأسیس نگردیده؟ مگر عدلیه ضامن حقوق، عرض^۱ و ناموس ملت نیست؟...» (ساکماق، ۱۵۷۸) «از ابتدا بنای این کار بر این بود که مظلوم پایمال نشود؛ حال با سابق چه فرق کرده؟» (ساکماق، ۱۶۱۵) «تحمل تمام خسارات و زحمات فوق‌العاده عموم افراد ملت و مملکت، برای رفع ظلم و تعدیات و اشتباه‌کاری‌ها در ادارات بود» (کمام، کارتن ۸۸، پوشه ۲۳، ص ۱۹۱).

از سوی دیگر لازمه عدالت وجود قانون است؛ نکته‌ای که نشریه حبل‌المتین هم به تاریخ ۲۹ ربیع‌الثانی ۱۳۲۴ آورده است: «... مسلماً لازمه عدالت، قانون است...». این نشریه در جای دیگر، دولت و ملت را بدون وجود قانون اساسی به مانند جسمی بی‌جان فرض کرده است (حبل‌المتین، ۱۳۲۴، سال چهاردهم، ش ۱۱، ص ۴). در اسناد بررسی شده که گاه از قانون اساسی با نام «قانون مقدس اساسی» یاد می‌شود (ساکماق، ۶۰۳۷۷) توقع قانون‌گرایی از عدلیه و اهمیت آن را در نزد مردم می‌توان مشاهده کرد. در عریضه اصناف قزوین، علت تغییر رئیس عدلیه این شهر رعایت نکردن قانون ذکر شده و اجراء قانون تنها راه ایجاد رفاه عمومی معرفی شده است: «... مقصود از این همه اتلاف نفوس و نهب اموال، حصول آمال^۲ و ترفیه^۳ احوال ملت بود و رفاهیت حال عموم فقط اجراء قانون است...» (ساکماق، ۶۰۴۷۶).

میرزا ولی‌خان دبیرالممالک ملایری، در شکایت از شرارت پرویزخان باملقانی، به عدلیه تأکید می‌کند که می‌باید در برخورد با افراد شرور نه از راه گرفتن رشوه، بلکه برطبق قانون عمل شود: «این همه خون‌ها ریخته شد و جوانان رشید کشته شدند که این‌طور اشخاص شریر، این قسم تعدیات نمایند و کارها از مجرای قانون بگذرد نه بر رشوه...» (ساکماق، ۶۱۶۲۹، صص ۷۵ و ۷۶). مردم علاوه بر توقع رعایت قانون از خود دستگاه قضا، انتظار داشتند که عدلیه، بزرگان، اشراف و اعیان را نیز به رعایت قانون وادارد.

نکته لازم توجه این است: اگرچه قانون اساسی تدوین شده بود؛ ولی عدلیه فاقد قوانین موضوعه بود و این یکی از چالش‌های دستگاه قضا در آن زمان بود؛ باین حال، مردم در عریضه‌هایشان اشاره‌ای به تدوین قوانین مناسب نکرده‌اند؛ گویا ذهنیت روشنی درباره قوانین موضوعه نداشته‌اند. در برخی موارد، خاصه به قوانین شرع انور اشاره می‌شد؛ ولی به نظر می‌رسد منظور مردم از آوردن عبارت کلی قانون برای رسیدگی به مشکل قضایی خود، رعایت قوانین شرع نیز هست. آبادیان به این موضوع تأکید دارد که مبانی حقوقی ایران در دوره مشروطه نسبتی با احکام شرع داشته و از آن سرچشمه گرفته است؛ زیرا

۱. آبرو؛ اعتبار
۲. آرزوها و امیدها
۳. آسایش، رفاه



احکام شرع عمده‌ترین وجه ممیزه و مشخصه فرهنگ مسلط ایران از سده‌های گذشته بوده است (آبادیان، ۱۳۸۹، ص ۲۳)؛ اسناد نیز درستی این مطلب را ثابت می‌کند. محضرهای شرع در رفع و رجوع مشکلات قضایی مردم جایگاه ویژه‌ای در عدلیه داشته‌اند، حتی احکام آن‌ها نیز مصون از استیناف^۱ بوده است؛ این نکته، جایگاه احکام و قوانین شرع را در عدلیه نشان می‌دهد. اصل هفتادم قانون اساسی اعلام می‌دارد: قضاوت در امور شرعی با عدول^۲ مجتهدین جامع‌الشرایط است و صدور صحیح احکام برطبق قوانین شرع. به استناد عرایض، رعایت این اصل یکی از خواسته‌های مردم از دستگاه قضا بود (ساکماق، ۶۰۴۰۷، ۶۱۳۸۶).

در اسناد از دخالت مستبدان، حاکمان محلی، و افراد صاحب نفوذ در کارهای مربوط به دستگاه قضا مانند، گذاردن افراد و عناصر وابسته در عدلیه، کارشکنی و دخالت در روند دادرسی و صدور احکام انتقادهایی شده است (کمام، کارتن ۸۸، پوشه ۲۳، ص ۴۰۱؛ ساکماق، ۶۰۶۵۲، ۶۰۵۳۴، ۵۹۵۶۸، ۶۱۵۷۸). این موضوع از انتظار مردم از دستگاه قضا برای داشتن استقلال حاکی است. اعمال نفوذ افراد در عدلیه، سبب بی‌اعتمادی مردم و همچنین کاهش قدرت دستگاه قضا می‌شد.

وجود نیروی انسانی مناسب و شایسته از مؤلفه‌های مهم در ایجاد قدرت و کارآمدی دستگاه قضاست. در مکاتباتی که مشخص است توسط افراد مطلع نوشته شده است، به نارضایتی از برخی عناصر عدلیه و انتظار مردم برای بهره‌گیری دستگاه قضا از افراد متدین و درستکار، و آگاه به قوانین و احکام شرع اشاره شده است:

«در این چندروزه، مکرر از جانب تجار و کسبه و غیرها از اوضاع عدلیه، اظهار عدم رضایت و تشکی نموده و می‌نمایند که موجب تزلزل گردیده، خوف آن می‌رود که از سوء سلوک برخی اعضاء عدلیه، متظلمین، تشبثاتی^۳ پیش گیرند که به اقتضای حالت حالیه، غیرمناسب باشد و آنچه از داخل و خارج به ثبوت رسیده، چند نفر در عدلیه با عامه، ناشایست رفتار نموده و خود را مقید به قوانین شرعی و عرفیه ندانسته، کیف ما یشاء، اعمالی که با مشروطیت غیرمناسب است، از قبیل، حبس و هتک و ورود به منازل ناس بدون اجازه و صدور احکام غیرحق، آشکارا مرتکب می‌شوند. در مقام ارادت، لازم است خاطر محترم عالی را مستحضر سازد که ابقاء این اوضاع در عدلیه منجر به عواقب وخیمه می‌شود و تدارک جبران امروز خیلی واجب است... این جوانان تندمزاج عصبانی جز تنفر طبع و دل‌تنگی افراد، فایده‌ای دیگر ندارند و تبدیل آنها به اشخاص پخته مجرب مصلح، نهایت لزوم را دارد...» (ساکماق، ۶۰۵۷۵).

بسط و گسترش عدلیه و تقویت کارکرد محلی آن در تمام شهرها، از انتظارات مردم

۱. درخواست تجدید رسیدگی به حکم قبلی که در دادگاه صادر شده است.
۲. عادلان؛ جمع عادل. عدول مجتهدین؛ مجتهدان عادل
۳. جمع تشبث؛ دست‌آویز قراردادن

در این زمان است. نامه‌های متعددی از شهرهای مختلف موجود است که خواستار ایجاد عدلیه به شیوه جدید در پسامشروطه هستند. آنچه از این اسناد مشخص می‌شود آن است که مردم، ایجاد عدلیه در شهرهایشان را سبب رهایی از سوء اقدامات حاکمان و از میان رفتن ظلم و استبداد و رسیدن به عدالت می‌دانند. درخواست ایجاد عدلیه در سبزوار در شوال ۱۳۲۷ق از سوی تجار این شهر از آصف‌الملک، رئیس عدلیه خراسان نمونه‌ای از این انتظارات است (ساکماق، ۱۹۹۲؛ نیز ر.ک: مکاتبه آصف‌الملک به معاون عدلیه در این باره: ساکماق، ۱۹۹۴).

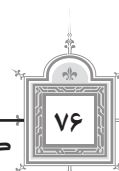
محمدحسین، از عدلیه کرمانشاهان به تاریخ ۲۱ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ق به مشیرالدوله، وزیر عدلیه در نامه‌ای، درخواست اهالی آنجا را برای ایجاد عدلیه به مانند عدلیه تهران این چنین بیان می‌کند: «... این حدود، به واسطه احکام تلگرافی و اعلانات، که مشهود خاطر مبارک است، اهالی جدا به صدا آمده و ترتیبات دیوان‌خانه عدلیه را موافق وضع جدید و قانون صحیح می‌خواهند... تاکنون دیوان‌خانه به ترتیب قدیم دارای یک اطاق و چند نفر اجزاء بوده ولی امروز که مردم به صدا درآمده از ترتیبات دیوان‌خانه عدلیه طهران مسبوق شده‌اند، دیگر ساکت نخواهند شد مگر توسعه در عدلیه داده شود تا اسباب اسکات^۱ و شکر اهالی گردد» (ساکماق، ۱۹۵۶، ص ۵).

خواست و توقع مردم در دوره مشروطه از دستگاه قضا رعایت عدالت، قانون و داشتن استقلال و مبارزه با ظلم و استبداد بود. از آنجایی که اعتماد مردم به نظام حکومتی مشروطه در گرو اقتدار دستگاه قضایی آن بود، نرسیدن به این انتظارات سبب ناامیدی آنان می‌شد و این ناامیدی، ضعفی اساسی برای حکومت مشروطه بود. در مکاتبات افراد مطلع هم ذکر شده است که انتظام و قدرت عدلیه، سبب اقتدار مشروطه و بالعکس، ضعف عدلیه سبب پریشانی و ضعف نظام مشروطه می‌شود: «اختلال اوضاع عدلیه، بالطبع نفوس عامه را منزجر می‌سازد و یأس را بر طبع مسلط می‌نماید و انتظام امور عدلیه، امروز اولین وسیله جلب نفوس ملت و مورث مزید اطمینان عمومی به اساس مشروطیت است... تمام امید مردم به عدلیه است وقتی عدلیه بی‌اساس بشود، امیدواری مردم از عدالت و مشروطیت مبدل به نفرت گردیده، نتایج وخیمه می‌بخشد» (ساکماق، ۱۹۵۷، ص ۶).

تکاپوی نخستین عدلیه در برآوردن انتظارات

با بررسی تمام اسناد، از جمله مکاتبات اداری و نامه‌های دوستانه و عریضه‌های طبقه‌های مختلف مردم مربوط به دوره معاونت امجدالسلطان در عدلیه بین سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۹ق که مقارن با سال‌های ابتدایی پسامشروطه است - می‌توان استنتاج کرد که

۱. ساکت‌کردن آرام‌کردن



دستگاه قضا در این زمان منفعل نبوده و برای پیشرفت عدلیه و برآوردن انتظارات تلاش می‌کرده است.

با توجه به نویابودن دستگاه قضا در صدر مشروطه، موانع و مشکلات متعددی بر سر راه تعمیق و توسعه آن وجود داشت. عمده مطالبات و شکایات مردم از عدلیه، از چالش‌ها و مشکلات نظام قضایی نشئت می‌گرفت که دستگاه قضا خود، در آن زمان با آن درگیر بود. از جمله فقدان قوانین مدون، نبود ضمانت اجرایی، نبود بودجه برای عدلیه، دخالت حاکمان و افراد صاحب نفوذ در کار قضا، ضعف عناصر عدلیه، تراکم پرونده‌ها و مراجعان. نظام تشکیلاتی مناسب و قوانین موضوعه از ارکان مهم در رتق و فتق امور قضایی و رسیدگی به حل مشکلات قضایی مردم است؛ ولی در زمان مشروطه عدلیه از این امکانات محروم بود. نظام قضایی در این سال‌ها، دوره سخت آزمون و خطای خود را می‌گذراند؛ چون هم‌زمان با پرداختن به مسائل و مشکلات قضایی روز مردم، از یک سو در پی ایجاد چهارچوبی تشکیلاتی و از سوی دیگر، به دلیل نبود قوانین مدون، در پی تنظیم مقررات و دستورالعمل‌های ضروری بود. عدلیه همچنین تلاش می‌کرد قواعد و قوانینی را که تا آن زمان به صورت موردی به محاکم ابلاغ می‌کرد به صورت مدون جمع‌آوری کند تا از اعمال سلیقه محاکم در صدور حکم جلوگیری کند (ساکماق، ۱۵، ۶۰، ص ۷).

پس از طی این مراحل، دستگاه قضا موفق شد: «قانون اصول تشکیلات عدلیه و محاضر شرعیه و احکام صلحیه» را تدوین و آن را به تاریخ ۲۱ رجب ۱۳۲۹ ق تصویب کند. این قانون جامع نبود و ناقص به نظر می‌رسید؛ ولی در آن زمان برای قانونی کردن تشکیلات و محاکم اهمیت داشت. عدلیه نخستین وزارتخانه بعد از مشروطیت بود که به صورت تشکیلاتی قانونی درآمد. این نکته را نصرت‌الدوله یازده سال بعد در مذاکرات مجلس، در دفاع از عدلیه و قانون مذکور بیان کرده است (مذاکرات مجلس شورای ملی (دوره چهارم)، ۱۳۳۰، ص ۳۳).

دو مؤلفه اجرای قانون و عدالت از خواسته‌های عمده مردم در زمان مشروطه محسوب می‌شد. با توجه به اسناد، دست‌کم مسئولان عالی‌رتبه دستگاه قضا به این دو مؤلفه توجه می‌کردند. نمونه‌هایی از ایستادگی عدلیه در برابر قانون‌گریزی و بی‌عدالتی در این زمان مشاهده می‌شود. این موضوع را می‌توان در برخورد عدلیه با کارکنان متخلف خود مشاهده کرد؛ چون در صورت شکایت مردم از عناصر عدلیه و اثبات آن، متخلف از کار برکنار می‌شد. این اقدام، همت دستگاه قضا را در برخورد با اعضای خود برای تحقق قانون و عدالت نشان می‌دهد. امجدالسلطان -نفر دوم عدلیه در آن زمان- از آن دوره با نام «دوران عدالت» یاد می‌کند (کمام، کارتن ۸۸، پوشه ۲۳، ص ۲۱۱). بیشتر عریضه‌های

مردم را وزیر یا معاون عدلیه به ترتیب سلسله مراتب اداری، پاراف می‌کردند و به محاکم یا اداره تفتیش، دستور رسیدگی به خواسته عارض را می‌دادند. ممکن بود عارضان به پاسخ دلخواه خود هم نرسند، ولی این موضوع از توجه و همت مسئولان در حل مشکلات قضایی مردم حکایت دارد. آنگاه که حاجی علی آشپز از گرفتن ۲۳ قران توسط عدلیه، از عدلیه دادخواهی می‌کند، امجد السلطان خطاب به اداره تفتیش، خواستار تحقیق در این باره می‌شود و به صراحت اعلام می‌کند: «هرگاه برخلاف قانون جاریه اقدامی کردند، اطلاع بدهید که مؤاخذه شو[ن]د» (ساکماق، ۵۹۸۸۴).

دستگاه قضا مشکلاتی در مواجهه با کانون‌های سنتی قدرت داشت، ولی باین حال تلاش آن را برای ایجاد عدالت و قانون‌گرایی بدون توجه به جایگاه اجتماعی افراد، دیده می‌شود. اجرایی شدن حکم برای گرفتن طلب استاد ابوالقاسم بنا از شاهزاده محمد کاظم میرزا و حاجی مجدالدوله از اشراف وابسته به خاندان قاجار (ساکماق، ۶۰۰۴۳)، محکومیت محمد علی خان قاجار به حبس (ساکماق، ۵۹۹۳۶) و پیگیری شکایت اداره مدعی العموم از ملکه ایران (ساکماق، ۶۰۰۹۷) نمونه‌ای از تلاش دستگاه قضا برای ایجاد عدالت است. مواردی نیز از اهتمام عدلیه برای تسری بخشیدن قانون و الزام اشراف و صاحبان قدرت به رعایت آن را در میان اسناد و منابع این دوره می‌توان مشاهده کرد: در شکایت محترم السلطنه از برادرش شاهزاده معتصم‌الدوله درباره مطالبه ارثیه از همدان، آنگاه که شاهزاده به رسم دیرین می‌گوید: «کارگزاران حکومت فخریه و لایات ثلثه، حکم به حقانیت وی داده‌اند، عدلیه در پاسخ می‌گوید: «مدتی است صدور این گونه احکام، موجب الزام طرف نخواهد شد» و تأکید می‌کند: «گفتگوی عموم طبقات مردم از بابت دعوی حقوق در دیوان عدالت عظمی، تسویه و قطع می‌شود» در انتها نیز از شاهزاده می‌خواهد که خودش یا وکیلش برای رسیدگی و ختم پرونده در عدلیه حضور یابند (ساکماق، ۶۱۳۳۶).

صدرالاشرف رئیس استیناف عدلیه در خاطرات خود می‌نویسد که در محاکمات میان اشراف و شاهزادگان و وابستگان به حکومت، مسلک سیاسی افراد بی‌تأثیر نبود: «اگر یک نفر دموکرات با یکی از مستبدین، محاکمه داشت غالباً مستبد محکوم می‌شد»؛ باین حال او تأکید می‌کند: مناسبات مسلکی در اداره استیناف و تمیز، کمتر تأثیر داشت. او درباره مناقشه میان محمدباقرخان کرونی اصفهانی و وارثان ظل‌السلطان آورده است که حکم در دادگاه بدایت^۱ به نفع محمدباقر صادر شد، ولی در زمان رسیدگی در دادگاه استیناف «صمصام السلطنه بختیاری، رئیس‌الوزراء، دعوی مدعی را به مبلغی خرید و او به تصور این که به واسطه نفوذ و قدرت، می‌تواند از پیش ببرد، طرف محاکمه واقع شد و پیغام‌های تهدیدآمیز به من داد. من اعتنا نکردم و بعد از رسیدگی، محکمه حکم بر بطلان دعوی

۱. بدایت / be(a)dāyat / اولیه؛ آغازین



مدعی صادر کرد» (صدرالاشرف، ۱۳۶۴، صص ۲۱۵ و ۲۱۶).

نمونه دیگر در اهتمام دستگاه قضا برای رعایت قانون و تسری عدالت، اختلاف قضایی میان منشورالسلطنه و معزالسلطنه، نامادری احمدشاه، است که مکاتبات آن در میان اسناد موجود است. این قضیه را نیز صدرالاشرف در خاطراتش به این شرح آورده است: در دادگاه بدوی، حکم به نفع معزالسلطنه صادر می‌شود، ولی منشورالسلطنه از آن حکم، استیناف می‌خواهد. دادگاه استیناف نیز چون محکمه بدایت در تشخیص اقرار از منشورالسلطنه اشتباه کرده بود، عرض حال استینافی را قبول می‌کند و قرار رسیدگی می‌گذارد. معزالسلطنه نیز به واسطه این که حکم بدایت قابل شکایت استینافی نیست آن را برخلاف قانون می‌داند. در مکاتبه‌ای فخرالاسلام، وکیل معزالسلطنه، این امر را ناعدالتی و ظلم دانسته است: «... چرا قانون را ملاحظه نمی‌فرمایید. اجزای سلطنتی اگر برخلاف قانون رفتار نمایند، خواهید گفت: «ظلم است.» قانون را هم که در حق ایشان ملاحظه نمی‌فرمایید، باین حال تکلیف چیست؟ تصور فرمایید که موکله فقیر، هیچ خدمتی به سلطنت نکرده و از مستخدمین و مستحفظین وجود مقدس سلطان نبوده و الآن هم مشغول خدمت و مواظبت نیست؛ اینها را ابداً منظور نفرمایید. یک نفر بنده خدا و رعیت مظلوم ایرانی است؛ آیا این گونه ظلم در حق یک نفر رعیت فقیر و مخلوق مسلمان ایرانی رواست.» (ساکماق، ۱۳۴۹، ص ۱۱)؛ معزالسلطنه نیز به احمدشاه شکایت می‌کند. شاه ضمن دست‌خطی، دستور مؤاخذه رئیس استیناف و رد درخواست را می‌دهد. رئیس استیناف نیز با قاطعیت جواب می‌دهد: «در قوانین محاکمات، دستخط شاه از دلایل محاکمه منظور نشده است.» این پاسخ صدرالاشرف، غوغایی برپا می‌کند و سبب می‌شود شاه متغیر شود و دستور دهد: «در هیئت وزراء شور کنید که تغییری در اوضاع عدلیه داده شود و رؤساء محاکم این طور جرأت و جسارت نکنند.» ولی این امر به واسطه طرفداری افراد قدرتمند از صدرالاشرف مشکلی برای او ایجاد نمی‌کند: «تغییر^۱ شاه و رئیس دولت، وهنی^۲ برای من تولید نکرد، چه^۳ طرفداران من قوی بودند» (صدر، ۱۳۶۴، صص ۲۱۶ و ۲۱۷).

دستگاه قضا برای به‌کارگیری نیروی انسانی، اقداماتی از جمله برگزاری امتحان استخدامی انجام می‌دهد تا عناصری کارآمد و باسواد را جذب کند. حتی به همین خاطر مدتی عدلیه مرکزی تعطیل شد. این اقدام، سبب مشکلاتی برای متقاضیان استخدام شد؛ ولی در آن شرایط که نیروی انسانی، بدون ضابطه و به توصیه افراد به دستگاه عدلیه راه می‌یافت، این اقدام گام مهمی در پالایش افراد برای جذب عناصر کارآمد محسوب می‌شد (ساکماق، ۱۶۲۵، ص ۱۶، ۶۰۵۸۳، ص ۲۲). ویلم فلور تمامی کارکنان عدلیه را فاسد و نا کارآمد معرفی می‌کند (فلور، ۱۳۸۸، ص ۵۸) در حالی که همه آنان این گونه نبودند.

۱. تغیر/taqayyor/؛ برآشتن؛ خشم‌گرفتن؛
عصبانی شدن.
۲. وهن: ضعف؛ سستی.
۳. چون؛ زیرا

دراسناد نیز از عبارت «برخی» استفاده شده است (ساکماق، ۶۰۶۵۷، ۶۰۵۷۵). محمدیوسف تبریزی که خود را مدافع عدالت و حریت معرفی می‌کند، کارکنان عدلیه را از نظر خود به دو گروه خوب و بد تقسیم می‌کند و به این موضوع قائل است که بخشی از اعضای عدلیه درستکار، متدین و عالم هستند (ساکماق، ۶۰۵۶۱، صص ۱ و ۲). در مکاتبه‌ای، صدراالاشرف و آفاشیخ‌هادی در شعبه اول جزا و حاج‌آقانوردالدین در شعبه دوم جزا، قضات خوب عدلیه معرفی شده‌اند (کمام، کارتن ۸۹، پوشه ۲۳، ص ۵۰۵)؛ ولی به‌رحال افراد ناکارآمد و ناشایست این مجموعه، بیشتر برجسته می‌شدند و باعث تشویش اذهان مردم درباره نظام قضا می‌شدند.

از مشکلات مهم دستگاه قضا نبود بودجه کافی برای اداره عدلیه بود؛ در اسناد هم زیاد به این موضوع اشاره شده است. نبود بودجه کافی دستگاه قضا را در گسترش عدلیه در سایر مناطق کشور و پرداخت حقوق کارکنان دچار مشکل می‌کرد. عریضه‌ها و گزارش‌هایی از وضعیت نامطلوب کارکنان مشاهده می‌شود (ساکماق، ۶۱۶۲۴، ۶۰۷۸۴). حتی در عدلیه هم‌دان کارکنان به‌علت نرسیدن حقوق، مجبور به استعفا شدند (ساکماق، ۵۹۹۲۴، ص ۵).

گاه کارگزاران برای هزینه تأسیس عدلیه در شهرها، مجبور به گرفتن قرض از افراد، به‌ویژه از تجار شهر، می‌شدند و به‌سبب ناتوانی در بازپرداخت بدهی، دچار مشکل می‌شدند. از جمله در سبزواری، رئیس عدلیه از تجار آنجا برای راه‌اندازی عدلیه، قرض می‌گیرد (ساکماق، ۶۱۲۶۴، ص ۱) یا امجدالملک - رئیس پیشین عدلیه سمنان - در زمان راه‌اندازی عدلیه مبلغ ۱۵۰ تومان قرض می‌گیرد و در دوره تصدی، موفق به پرداخت بدهی نمی‌شود (ساکماق، ۶۰۴۸۰). شرایط نابه‌سامان معیشتی کارکنان و نبود بودجه مناسب برای عدلیه، بی‌عدالتی را توجیه نمی‌کند؛ ولی سبب رونق بازار رشوه و جانبداری و اجرانکردن عدالت می‌شد. ناظم‌الاسلام کرمانی هم، گرفتن رشوه و هدیه در ادارات و محاکم قضایی را ناشی از نبود بودجه «مقرر و مرتب» می‌داند (به نقل از راوندی، ۱۳۶۸، ص ۲۷۰).

مشکلات مربوط به بودجه، دستگاه قضا را در بسط و گسترش به سایر مناطق کشور دچار مشکل می‌کرد. علاوه بر این با استناد به اسناد، وجود عناصر قدرتمند مستبد در شهرها نیز مانعی دیگر در ایجاد عدلیه بود. از جمله می‌توان به گزارشی از نهادند در این خصوص اشاره کرد (کمام، کارتن ۸۸، پوشه ۲۳، صص ۲۵۸ و ۲۵۹). گاهی نیز اشرار، عدلیه شهرها را غارت می‌کردند و به‌اجبار، عدلیه باید دوباره راه‌اندازی می‌شد (ساکماق، ۶۱۳۵۰). با توجه به اسناد، ایجاد عدلیه و گسترش آن برطبق شیوه جدید در تمامی ولایات، و تقویت کارکرد محلی آن از اقدامات دولت بوده است (ساکماق، ۶۱۷۵۳، ص ۳).

با توجه به مکاتبات اداری، به نظر می‌رسد: عدلیه در تمام ایالات و ولایات تا اوایل سال ۱۳۲۸ ق تأسیس شده است. در سندی که گزارش ارسال صورت قوانین در آن آمده، نام ایالات و ولایات دارای عدلیه هم ذکر شده است: از ایالات: گیلان، مازندران، خراسان، اصفهان، کرمانشاهان، همدان، آذربایجان، عراق، فارس، کرمان^۱ و از ولایات: کاشان، ملایر، تویسرکان، کمره، گلپایگان، خوانسار، بروجرد، کردستان، قزوین، نیشابور، قم، یزد، خمسه، سبزوار، استرآباد، ورامین. برطبق این فهرست سه ولایت سمنان، شاهرود و قاینات دیرتر از سایر ولایات، دارای شعبه عدلیه شدند (ساکماق، ۶۰۳۷۶). عدلیه مرکزی برای نظارت و بازرسی بر محاکم سایر شهرها برنامه داشت (ساکماق، ۶۰۴۲۳)؛ درحالی که هنوز تشکیلات دستگاه قضا نوپا بود، این اقدام دستگاه قضا گام مهمی محسوب می‌شد.

نتیجه

در مقدمه، یک پرسش اصلی و دو پرسش فرعی هرکدام با یک فرضیه مطرح و براساس آن به موضوع پرداخته شد. اکنون هر یک از پرسش‌ها را با فرضیه آن بر پایه بحث‌ها و بررسی‌های انجام شده، محک می‌زنیم.

پرسش اصلی: طی سال‌های نخست پس از مشروطه (۱۳۲۵-۱۳۲۹ ق) مردم از عدلیه چه انتظاراتی داشتند و بر چه جنبه‌هایی تأکید داشتند؟

فرضیه: در سال‌های نخست مشروطه با توجه به تغییر نظام حکومتی و انتظاراتی که رخداد مشروطه در مردم ایجاد کرده بود، توقع تحول اساسی برای تحقق عدالت و حل مشکلات حقوقی به وجود آمده بود. این فرضیه با توجه به اسناد و سایر منابع، پذیرفتنی به نظر می‌رسد. اخبار و گفته‌های درج شده در روزنامه‌ها و ایراد سخنرانی‌ها درباره تشکیل حکومت جدید و اجرای قانون و برقراری عدالت، رفع استبداد و رهایی از ظلم به اسناد، بر مردم تأثیرگذار بوده است. به نظر می‌رسد مشروطیت، نوید تحولی اساسی را برای تحقق عدالت ایجاد کرده بود. اسناد به خوبی اقبال مردم را به عدلیه به ویژه بعد از استبداد صغیر (۲۲ جمادى الاول ۱۳۲۶ ق تا ۲۷ جمادى الثانی ۱۳۲۷ ق) برای حل مشکلات قضایی شان نشان می‌دهد. رجوع مردم به عدلیه تاحدی است که محاکم، توانایی پاسخ‌گویی به مردم را ندارند. اقبال مردم به عدلیه نشان‌دهنده مشکلات عدیده قضایی در این زمان است؛ ولی از امید مردم برای حل مشکلات حقوقی و احقاق حق نیز حکایت دارد. از آنجایی که لازمه عدالت وجود قانون است، توقع قانون‌گرایی از عدلیه و اهمیت آن در نزد مردم در اسناد به خوبی مشاهده می‌شود. داشتن دستگاه قضایی مستقل و به‌دوراز اعمال نفوذ و دخالت مستبدان، حاکمان محلی، و افراد صاحب نفوذ در امور دستگاه قضا، به‌کارگیری نیروی

۱. در قانون تشکیل ایالات و ولایات در فصل اول در تقسیم مملکت و تحدید حدود دوایر محلیه مصوب ۱۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۵ قید شده است که فعلاً ایالات، منحصر به چهار ایالت آذربایجان، کرمان و بلوچستان، فارس، و خراسان است؛ ولی در اینجا به ده ایالت اشاره شده است و گیلان، مازندران، اصفهان، کرمانشاهان، همدان، و عراق را نیز در ذیل ایالات ذکر کرده است. به نظر می‌رسد: بعدها تعداد ایالات افزایش یافته است یا اینکه تقسیمات واقعی به‌مانند دوره ناصری با صورت رسمی آن تفاوت داشته است (ر.ک: فریدی مجید، ۱۳۸۸).

انسانی مناسب و شایسته، بسط و گسترش عدلیه و تقویت کارکرد محلی آن در تمام شهرها از دیگر انتظارات مردم از عدلیه بود که در اسناد انعکاس یافته است.

پرسش فرعی اول: دستگاه قضایی جدید آیا اهمتامی برای برآوردن انتظارات مردم

داشت؟

فرضیه: با توجه به تحول نظام حکومتی و نفی استبداد و سهمین شدن مردم در اداره کشور، دستگاه عدلیه نیز برای سامان بخشیدن به نظام قضایی و تحقق انتظارات مردم تلاش می کرد. این فرض با در نظر گرفتن چالش ها و مشکلات دستگاه قضا، پذیرفتنی است. با بررسی اسناد، می توان پی برد دستگاه قضا در این زمان منفعل نبوده و برای پیشرفت عدلیه و برآوردن انتظارات مردم تلاش می کرده است. با توجه به نوپا بودن دستگاه قضا در صدر مشروطه، بر سر راه تعمیق و توسعه آن، موانع و مشکلات متعددی وجود داشت. عمده مطالبات و شکایات مردم از عدلیه، از چالش ها و مشکلات نظام قضایی نشئت می گرفت که خود دستگاه قضا، در این زمان با آن درگیر بود. عدلیه هنوز نظام تشکیلاتی مناسب و قوانین موضوعه نداشت. این قوانین خود از ارکان مهم در رتق و فتق امور قضایی و رسیدگی به مشکلات قضایی مردم است. به نظر می رسد، نظام قضا در طی این سال ها هم زمان با پرداختن به مشکلات قضایی روزمره مردم، از یک سو، در پی ایجاد چهارچوبی تشکیلاتی بود و از سوی دیگر، با توجه به نبود قوانین مدون در پی تنظیم مقررات و دستورالعمل های ضروری بود. در زمان مشروطه دو مؤلفه اجرای قانون و عدالت از خواسته های عمده مردم محسوب می شد؛ دستگاه قضا نیز به این دو مؤلفه توجه داشت. نمونه هایی از ایستادگی عدلیه در برابر قانون گریزی و ناعدالتی در این زمان مشاهده می شود. دستگاه قضا همواره مشکلاتی در مواجهه با کانون های سنتی قدرت داشت، ولی تلاش آن را برای ایجاد عدالت و قانون گرایی، بدون توجه به جایگاه اجتماعی افراد ملاحظه می کنیم. نمونه هایی از اهتمام عدلیه برای تسری بخشیدن قانون و الزام اشراف و صاحبان قدرت به رعایت آن را، در میان اسناد و منابع این دوره می توان مشاهده کرد.

با توجه به این که موضوع مورد بحث مربوط به اوایل دوره مشروطه است، پرسش

فرعی دوم براساس آن مطرح شد:

پرسش فرعی دوم: آیا رابطه معناداری بین مؤلفه های مورد انتظار مردم از دستگاه قضا

و رابطه آن با درک مفهوم مشروطیت از دیدگاه مردم وجود دارد؟

فرضیه: بین مؤلفه های مورد انتظار مردم از دستگاه قضا با درک مفهوم مشروطیت رابطه

معناداری وجود دارد.

اسناد بررسی شده، درستی این فرضیه را نشان می دهد. می توان رابطه معناداری بین

مؤلفه‌های موردانتظار مردم از دستگاه قضا با درک مفهوم مشروطیت از دیدگاه آنان به دست آورد. مردم معنی و مفهوم حکومت مشروطه را درک نکرده بودند؛ ولی روح و پیام آن را برطبق نیاز خود درک کرده بودند. مردم می‌دانستند، نظام حکومتی تغییر یافته و در دوره جدید قرار است عدالت حکم‌فرما شود و همه در برابر قانون برابر باشند؛ از این روی بر دو مؤلفه عدالت‌محوری و قانون‌مداری تأکید می‌کردند. برخی از مورخان و صاحب‌نظران در حیطه تاریخ مشروطه معتقدند: رهبران مشروطه و مردم، درکی از نظام حکومتی مشروطه نداشتند؛ برطبق آنچه پیش‌تر بیان شد می‌توان از این نظر انتقاد کرد.

خواست و توقع مردم از دولت مشروطه در حوزه قضا اجرای قانون، رعایت عدالت، و داشتن استقلال و مبارزه با ظلم و استبداد بود؛ نرسیدن به این انتظارات سبب ناامیدی مردم می‌شد. اعتماد مردم به یک نظام حکومتی درگرو اقتدار دستگاه قضا در آن نظام است؛ از این رو، سلب اعتماد مردم از دستگاه قضا ضعفی اساسی برای حکومت مشروطه محسوب می‌شد. در مکاتبات افراد مطلع، در همان زمان نیز ذکر شده است که انتظام و قدرت عدلیه، سبب اقتدار مشروطه و بالعکس، ضعف عدلیه سبب پزیشانی و ضعف نظام مشروطه می‌شود. دولت مشروطه با توجه به مشکلات عمیقی که داشت، نمی‌توانست به یک‌باره انتظارات مردم را برآورده کند و به زمان نیاز داشت تا قدرتمند شود و در اعماق امور فرورود و مشکلات را به‌طور صحیح حل کند. مشروطه نظام حقوقی کشور را نسبت به قبل از آن متحول کرد؛ آثار این تحول بعد از مشروطه نیز در نظام حقوقی کشور به‌جای ماند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

معرضت
تصویر اصحا و نظریات از نیم به در کلام و نیز در اصول و احکام
و بعد از آن جوار احکام که در دست در آمد و در اولین مرتبه
در حقوق و حدود بیم هر یک در دو فقره اولی و دانیث هر یک
از ذوقان و در و بر این بسته مع ذلک که جهت دراز
در هر دو حکم که در حکم و در نیم به در اعتبار و صدور حکم و تقاضا
بر بعد استیفاء حقوق سکنین فکد زین بهی و بر این نظر
در وقت صدور این حکم که در اولین مرتبه در وقت
در حکم که در اولین مرتبه در وقت و تقاضا بر هر یک
آن در استیفاء و در نیم به در اعتبار و صدور حکم و تقاضا
تعمیر کردن اگر ما بخوانیم در وقت و تقاضا بر هر یک
بیتد ف تا در دور و در وقت و تقاضا بر هر یک
نیم قسم و تقاضا بر هر یک و در وقت و تقاضا بر هر یک
بیم است و در زمان رد است که حکم که در اولین مرتبه
نصف است و بیاید هر یک که در اولین مرتبه در وقت
در در حکم که در اولین مرتبه در وقت و تقاضا بر هر یک
شش روز در وقت و تقاضا بر هر یک و در وقت و تقاضا بر هر یک
طرف بخوانیم و در حکم که در اولین مرتبه در وقت و تقاضا بر هر یک

۶-۵۸۲،۱۷

تصویر ۱
عریضه درباره درخواست اجرای حکم محکمه
عدلیه و تأکید بر رعایت قانون و عدالت.



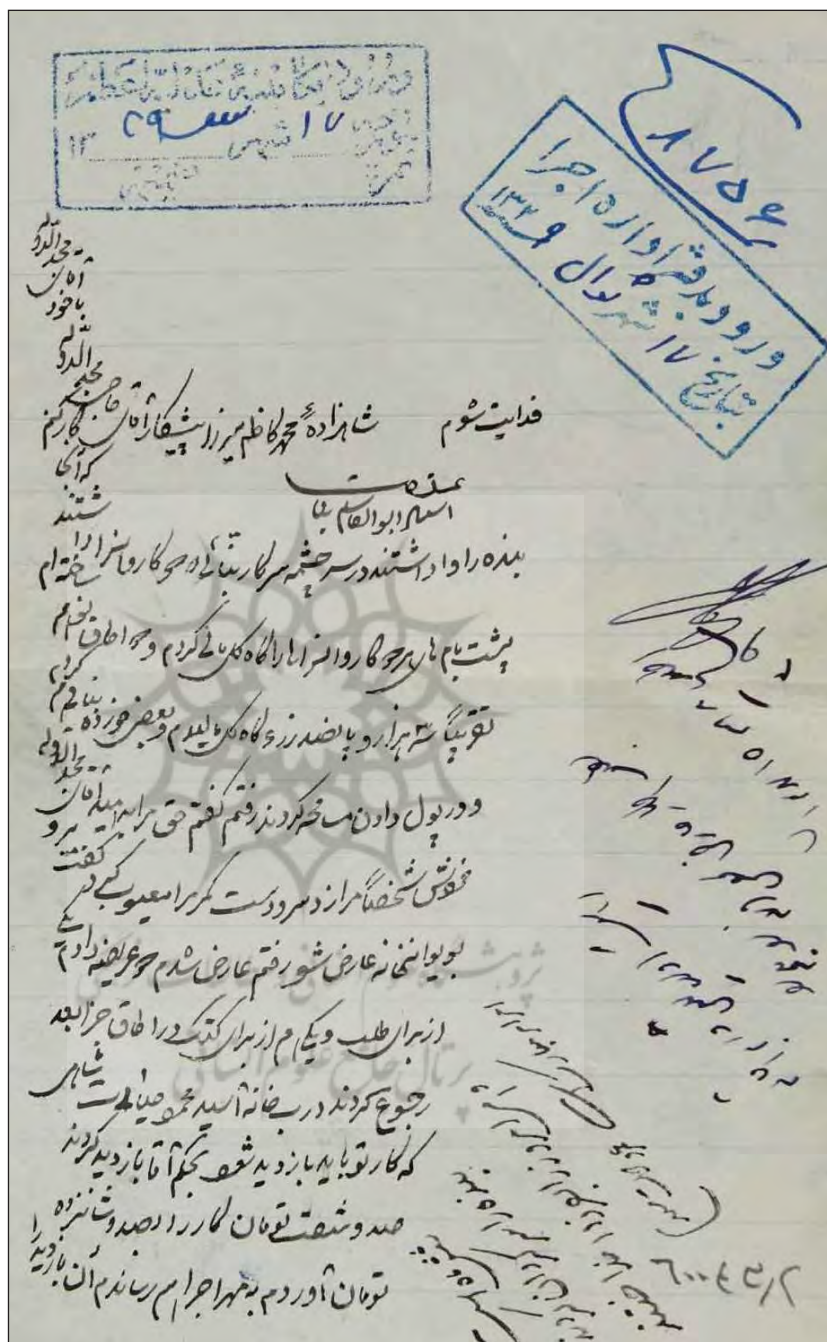
سبب این امر اینست که در روزهای سرانجام معاهده بقیع را در
 نسخه بی می در این چند روزه که در آنجا نبوده است
 از اوضاع عدلیه چنانچه عدم رضایت و شکی نبوده و غلبه
 مردم بر ترس و خوف آن می‌شود از روزی که خبر
 عرضه عدلیه مظهری نشانی پیش گیرند و به تصریح
 حالیه غیر مناسب باشد و آنچه از دفتر و خارج می‌شود
 چند نفر در عدلیه با عاقبت نشانی رفته و نموده خود را
 بعد از این شریعه و عرفیه از نشانی کف مال اعلا کلمه
 غیر مناسب است از قبیل همین و همکاران در روزهای
 بدون اجاق و صدر در محکم غیر حق آنها را بر سر می‌نهد
 در مقام لرا دت لکن است و نظیر همین حال را در
 در بقای این اوضاع در عدلیه منجر بوقوع خصمه شود و در
 جبران هر روز خفا و جیب است و وجهی که در این
 قانون است و پس در ملاحظه ریزد و غیر و خمد ستم را در
 این جوانان تند مزاج عصبیه جز متفرطان در این
 نماند دیگر ندارند و بدین آنها با شامی خفته مجرب

۶۰۵۷۵،۱

تصویر ۲

مکاتبه سید محمد بن زین العابدین
 حسینی خطاب به امجد السلطان،
 معاون عدلیه درباره اعتراض تجار و
 کسبه و سایر اقشار مردم به اوضاع
 نابه‌سامان عدلیه و پایبند نبودن کارکنان
 به اجرای صحیح قوانین.





تصویر ۴

عریضه استاد ابوالقاسم بنا به امجد السلطان، معاون عدلیه در خصوص تظلم از شاهزاده محمدکاظم میرزا و مجدالدوله، بابت نپرداختن حق الزحمه به مشارالیه به انضمام دستور امجد السلطان برای رسیدگی به آن و اجراء شدن حکم.

منبع

اسناد

سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی (ساکماق)، مجموعه اسناد امجدالسلطان معاون عدلیه، از شماره ۵۹۴۹۷ تا ۶۱۹۰۹ به تعداد ۹۰۰۰ برگ سند.

شماره سندهای استفاده شده از این مجموعه در این مقاله:

۵۹۵۶۱؛ ۵۹۵۶۸؛ ۵۹۷۰۱؛ ۵۹۷۵۵؛ ۵۹۸۸۴؛ ۵۹۹۲۴؛ ۵۹۹۳۶؛ ۶۰۰۱۵؛ ۶۰۰۴۳؛ ۶۰۰۹۷؛ ۶۰۳۱۶؛ ۶۰۳۷۶؛ ۶۰۳۷۷؛ ۶۰۴۰۷؛ ۶۰۴۲۳؛ ۶۰۴۷۶؛ ۶۰۴۸۰؛ ۶۰۵۳۴؛ ۶۰۵۶۱؛ ۶۰۵۷۵؛ ۶۰۵۸۱؛ ۶۰۵۸۲؛ ۶۰۵۸۳؛ ۶۰۶۴۷؛ ۶۰۶۵۲؛ ۶۰۶۵۴؛ ۶۰۶۵۷؛ ۶۰۷۴۴؛ ۶۰۷۸۴؛ ۶۱۱۹۲؛ ۶۱۱۹۴؛ ۶۱۲۶۴؛ ۶۱۳۲۲؛ ۶۱۳۳۶؛ ۶۱۳۴۹؛ ۶۱۳۵۰؛ ۶۱۳۸۶؛ ۶۱۵۷۸؛ ۶۱۶۱۵؛ ۶۱۶۲۴؛ ۶۱۶۲۵؛ ۶۱۶۲۶؛ ۶۱۶۲۹؛ ۶۱۷۵۳.

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام)، مجموعه اسناد امجدالسلطان معاون عدلیه، کارتن شماره ۸۸ و ۸۹ به تعداد ۱۰۰۰ برگ سند.

کمام: کارتن ۸۸، پوشه ۲۳؛ کارتن ۸۹، پوشه ۲۳.

کتاب

آبادیان، حسین. (۱۳۹۲). *بحران آگاهی و تکوین روشنفکری در ایران*. تهران: کویر.

فریدی مجید، فاطمه. (۱۳۸۸). *سرگذشت تقسیمات کشوری ایران (از ۱۲۸۵ تا ۱۳۸۵ ه.ش)*. تهران: بنیاد ایران‌شناسی.

راوندی، مرتضی. (۱۳۶۸). *سیر قانون و دادگستری در ایران*. تهران: چشمه.

زرگری نژاد، غلام‌حسین. (۱۳۸۷). *رسایل مشروطیت: مشروطه به روایت موافقان و مخالفان*. تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

صدر، محسن. (صدرالاشرف). (۱۳۶۴). *خاطرات صدرالاشرف*. تهران: وحید.

کاتوزیان، محمدعلی. (۱۳۹۳). *اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*. (محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی، مترجمان). تهران: مرکز.

کسروی، احمد. (۱۳۸۴). *تاریخ مشروطه ایران؛ با پیشگفتاری از رحیم رضا زاده ملک*. تهران: صدای معاصر. *مجموعه قوانین و مقررات عصر مشروطیت (۱۲۸۵-۱۲۹۹ هجری شمسی)*. (۱۳۸۸). تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.

مدنی کاشانی، عبدالرسول. (۱۳۷۸). *رساله انصافیه*. کاشان: مرسل.

مذاکرات مجلس شورای ملی دوره چهارم. (۱۳۳۰). تهران: روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران.

ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد بن علی. (۱۳۸۹). *تاریخ بیداری ایرانیان*. (ج ۱). تهران: کوشش.

مقاله

آبادیان، حسین. (۱۳۸۹). «موازنه شرع و عرف در نظام حقوقی ایران دوره قاجار». *مجله مطالعات تاریخ اسلام*، دوره ۲، ش ۷، صص ۷-۲۴.

زیباکلام، صادق. (۱۳۸۲). «آیا جنبش مشروطه برای ایران زودرس بود؟». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۵۹، صص ۱۳۹-۱۵۲.



شوهانی، سیاوش. (۱۳۸۹). «عرایض رهیافتی به تاریخ فرودستان (بررسی اسناد عرایض مجلس شورای ملی)». مجله گنجینه اسناد، ش ۷۹، صص ۴۲-۷۸.

روزنامه

حبل المتین، سال چهاردهم، ش ۱۱، ص ۴، (شعبان ۱۳۲۴).
جریده ملی (۱۳۲۴ق)، س ۱، ش ۲۷.

